

پیرہ زن و خوگچہ اش

ترجمہ از انگلیسی

بہ دری:

سرور ارکان

کلگری - کانادا

اول ثور ۱۳۹۱



کمپیر یرنیک ات وم  
خوگ بٹک

گرڈپنیج اس انگلیسے  
بہ خرنونے:

نوروز علی ثابتی

فیض آباد، بدخشان

۹ ثور ۱۳۹۱

## THE OLD WOMAN AND HER PIG

پیرہ زنی در حال جاروب  
کردن خانه اش بود و یک  
پیسہ خورد و چروکیدہ  
شش پنسی را پیدا کرد.



یے کمپیر یرنیک خو  
چید زیدداوند قدت یے  
خٹیک جکچن شش  
پولے یے قروود.

An old woman was sweeping her house, and she found a little crooked sixpence.

او بخودش گفت کہ: " با  
این پیسہ خورد شش پَنسی  
چہ خواہم کرد؟ "



یہ یے لود اِ دے: "وُز کو  
مے خَلِک شش پولے  
قتے چیز زہم؟"

"What," said she, "shall I do with this little sixpence?"

من بہ بازار میروم و یک  
خوگچہ را میخرم.

پیرہ زن بہ بازار رفت و  
یک خوگچہ را خرید.



{یہ یے چُرت ڈاد خو  
لودے: { وُز بازار سَہم خو  
یے خوگبُخ خَرِیتُم.

یہ تر بازار سَت خو یے  
خوگبُخے خَرِیت چُود.

"I will go to market, and buy a little pig." Then the old woman went to the market and bought a pig.

در وقت باز گشت به خانه  
اش، او با یک نردبان  
سردچار شد و اما خوگچه  
نمی خواهد از بالای  
نردبان بگذرد.



یه اس بازار هج تر خو  
چیده هج دے گبن چود اته  
پوند آرد پے یے چوره  
یند سر دچار ست اته یو  
خوگبخے وے چوره تر  
تیر زیداو نچے مت.

یه یے وے خوگبخ آرد  
لود:

"ای خوگبخ! ای خوگبخ!"

دے چوره تر تیر زبن! د  
نی وز ته نر بنهب تر خو  
چید نفرهیم

اته یو خوگبخے نچے مت

On her way home she came to a stile and then the piggy wouldn't go over the stile. She said to her piggy, "Piggy! Piggy! Get over the stile, or I cannot get home tonight."

But the piggy wouldn't.

او کمی پیشتر رفت و  
سگی را دید و به او  
گفت:

"سگ! سگ! خوگچه را  
دندان بگیر! خوگچه  
نمیخواهد از نردبان  
بگذرد، و من امشب به  
خانه نمی رسم."

اما سگ نمی خواست.



یه الهف تاید اته یے  
کدے وینت ات وردے  
لود:

"ای کد! ای کد! وے  
خوگبخ ژرد! یو وے چوره  
قه نرجیداو نچے مت."  
ات وز ته نر بنهب تر خو  
چید نفرهیم.

اما یو کدے نچے مت.



She went a little further, and she met a dog. So she said to him, "Dog! Dog! Bite pig. Piggy won't go over the stile; and I cannot get home tonight."

But the dog wouldn't.

او کمی پیشتر رفت و  
چوب را دید و برای چوب  
گفت:

" چوب! چوب!

سگ را بزن! سگ نمی  
خواهد خوگچه را دندان  
بگیرد. خوگچه نمی  
خواهد از نردبان بگذرد ،  
و من امشب به خانه  
نمیرسم."

اما چوب نمی خواست.

She went a little further, and she met a stick. So she said, "Stick! Stick! Beat dog! Dog won't bite piggy; piggy won't get over the stile; and I cannot get home tonight."

But the stick wouldn't.



یہ الھف گہ تاید اتہ یے  
ماٹے وینت اتہ وردے  
لود:

" ای مات! ای مات!

وے کڈ دے!، یو یے وے  
خوگبخ ژرینتاو نچی مت ، یو  
خوگبخے وے چورہ تر تیر  
زیداو نچیمت ات وز تہ نر  
بنہب تر خو چید نفرہیم.  
اتہ یو ماٹے مس نچیمت.

او کمی پیشتر رفت و  
آتش را دید و به او گفت:

" آتش! آتش!

چوب را بسوزان!

چوب نمی خواهد سگ را  
بزند. سگ نمی خواهد  
خوگچه را دندان بگیرد.  
خوگچه نمی خواهد از  
نردبان بگذرد، و من  
امشب به خانه نمی‌روم."

اما آتش نمی خواست.



یه الهف گه تاید اته یاخے  
وینت خو وردے لود:

" ای یاخ! ای یاخ!

وے مات پڙن. یو مائے  
وے کد ځهداو نچېمت، یو  
کدے وی خوگبخ پرېنتاو  
نچېمت، یو خوگبخے وے  
چوره تر تیر زېداو نچېمت  
ات وز ته نر بنهب تر خو  
چید نفرهیم.

اته یو یاخے مس وم بدل  
نچود.

She went a little further, and she met a fire. So she said, "Fire!  
Fire! Burn stick. Stick won't beat dog; dog won't bite pig; piggy  
won't get over the stile; and I cannot get home tonight."

But the fire wouldn't.

او کمی پیشتر رفت و آب  
را دید و برایش گفت:

" آب! آب!

آتش را خاموش کن! آتش  
نمی خواهد چوب را در  
بدهد. چوب نمی خواهد  
سگ را بزند. سگ نمی  
خواهد خوگچه را دندان



یه الهف گه تاید اته بنخے  
وینت اته ومردے لود.

" ای بنخ! ای بنخ!

وے یاخ وزهؤ! یو یاخے  
وے مات پڙداو نچېمت.  
یو مائے وے کد ځهداو  
نچېمت، یو کدے وی  
خوگبخ پرېنتاو نچېمت، یو

خوگبڻے وے چورہ تر تیر  
زبداو نچی مت، ات وُز ته  
نر بنهب تر خو چید  
نفرهیم.

اته یه بنڻے مس وم بدل  
نچود.

بگیرد. خوگچه نمی  
خواهد از نردبان بگذرد ،  
و من امشب به خانه  
نمیرسم."

اما آب نمی خواست.

She went a little further, and she met some water. So she said,  
"Water! Water! Quench fire. Fire won't burn stick; stick won't beat  
dog; dog won't bite pig; piggy won't get over the stile; and I cannot  
get home tonight."

But the water wouldn't.

او کمی پیشتر رفت و  
برزه گاو را دید. او به  
برزه گاو گفت:

" برزه گاو! برزه گاو!

آب را بنوش! آب نمی  
خواهد آتش را خاموش  
کند. آتش نمی خواهد  
چوب را در بدهد. چوب  
نمی خواهد سگ را بزند.  
سگ نمی خواهد خوگچه  
را دندان بگیرد. خوگچه  
نمی خواهد از نردبان  
بگذرد ، و من امشب به  
خانه نمیرسم."

اما برزه گاو نمی  
خواست.



یه الهف جای گه تاید اته  
یے بنیجے وینت خو وردے  
لود:

" ای بنیج! ای بنیج!

سه وم بنڻ برهز. یه  
بنڻے وے یاخ وزهداو  
نچی مت، یو یاخے وی  
ماٹ پڌاو نچی مت. یو  
ماٹے وے کد ڏهداو  
نچی مت، یو کدے وے  
خوگبڻ پرپنتاو نچی مت ، یو  
خوگبڻے وے چورہ تر تیر  
زبداو نچی مت ات وُز ته نر  
بنهب تر خو چید نفرهیم.

اته یو بنیجے مس وم بدل  
نچود.



She went a little further, and she met an ox. So she said, "Ox! Ox! Drink water. Water won't quench fire; fire won't burn stick; stick won't beat dog; dog won't bite pig; piggy won't get over the stile; and I cannot get home tonight." But the ox wouldn't.

او کمی پیشتر رفت و  
قصاب را دید و برایش  
گفت:

"قصاب! قصاب! گاو را  
در آغل ببند! برزه گاو  
نمی خواهد آب را بنوشد!  
آب نمی خواهد آتش را  
خاموش کند. آتش نمی  
خواهد چوب را در بدهد.  
چوب نمی خواهد سگ را  
بزند. سگ نمی خواهد  
خوگچه را دندان بگیرد.  
خوگچه نمی خواهد از  
نردبان بگذرد، و من  
امشب به خانه نمی رسم."  
اما قصاب نمی خواست.



یه کمپیرک الهف جای گه  
تاید اته یه قصابه وینت  
خو وردے لود:

"ای قصاب! ای قصاب!  
وے بنیج تر غجید بزین!  
یو بنیجے وم بنخ  
بره بنتاو نچی مت! یه  
بنخے وے یاخ وزه وداو  
نچی مت، یو یاخے وی  
مات پڈداو نچی مت. یو  
ماتے وے کڈ ڈهداو  
نچی مت، یو کڈے وی  
خوگبخ پر بنتاو نچی مت، یو  
خوگبخے وے چوره تر تیر  
زبداو نچی مت ات وز ته نر  
بنهب تر خو چید نفرهیم.

اته یو قصابه مس وم بدل  
نچود.

She went a little further and she met a butcher. So she said, "Butcher! Butcher! Pen ox. Ox won't drink water; water won't quench fire; fire won't burn stick; stick won't beat dog; dog won't bite pig; piggy won't get over the stile; and I cannot get home tonight."

But the butcher wouldn't.

او کمی پیشتر رفت و  
ریسمان را دید. او به  
ریسمان گفت:

"ریسمان! ریسمان!

قصاب را آویزان کن!  
قصاب نمی خواهد برزه  
گاو را در آغل بندد. برزه  
گاو نمی خواهد آب را  
بنوشد! آب نمی خواهد  
آتش را خاموش کند. آتش  
نمی خواهد چوب را در  
بدهد. چوب نمی خواهد  
سگ را بزند. سگ نمی-  
خواهد خوگچه را دندان  
بگیرد. خوگچه نمی-  
خواهد از نردبان بگذرد ،  
و من امشب به خانه  
نمیرسم."

اما ریسمان نمی خواست.

She went a little further, and she met a rope. So she said, "Rope!  
Rope! Hang butcher. Butcher won't kill ox; ox won't drink water;  
water won't quench fire; fire won't burn stick; stick won't beat dog;  
dog won't bite pig; piggy won't get over the stile; and I cannot get  
home tonight."

But the rope wouldn't.



یه الهف جایگه تاید اته یه  
قهبنه وینت خو و مرده  
لود:

"ای قهبن! ای قهبن!

وے قصاب قیس! یو  
قصابے وے بنیج بزیداو  
نچی مت، یو بنیجے وم بنخ  
برهبنتاو نچی مت! یه  
بنخے وے یاخ وزهداو  
نچیمت، یو یاخے وی مات  
پژداو نچیمت. یو مائے وے  
کد ژهداو نچی مت، یو کدے  
وی خوگبخ پرہنتاو  
نچی مت، یو خوگبخے وے  
چوره تر تیر زبداو نچی مت  
ات وز ته نر بنهب تر خو  
چید نفرهیم.

اته یه قهبنے مس وم بدل  
نچود.



یہ الھف جاییخ گہ تاید اته  
یے پورگے وینت اته وردے  
لود:



او کمی پیشتر رفت و  
موش را دید و به موش  
گفت:

" موش! موش! ریسمان  
را بجو! ریسمان نمی  
خواهد قصاب را آویزان  
کند. قصاب نمی خواهد  
برزه گاو را در آغل بندد.  
گاو نمی خواهد آب را  
بنوشد! آب نمی خواهد  
آتش را خاموش کند. آتش  
نمی خواهد چوب را در  
بدهد. چوب نمی خواهد  
سگ را بزند. سگ نمی  
خواهد خوگچه را دندان  
بگیرد. خوگچه نمی  
خواهد از نردبان بگذرد ،  
و من امشب به خانه  
نمیرسم."

اما موش نمی خواست.

She went a little further, and she met a rat. So she said, "Rat! Rat!  
Gnaw rope. Rope won't hang butcher, butcher won't kill ox; ox  
won't drink water; water won't quench fire; fire won't burn stick;  
stick won't beat dog; dog won't bite pig; piggy won't get over the  
stile; and I cannot get home tonight."

But the rat wouldn't.

" ای پورگ! ای پورگ!  
سه وم قهبن غمهن! یہ  
قهبنے وے قصاب قیستاو  
نچی مت. یو قصابے وے  
بنیج بزیداو نچی مت، یو  
بنیجے وم بنخ برهبنتاو  
نچی مت! یہ بنخے وے یاخ  
وزهداو نچی مت، یو یاخے  
وی مات پڈداو نچیمت. یو  
ماتے وے کد ڈهداو  
نچی مت، یو کدے وی  
خوگبخ پرپنتاو نچی مت ، یو  
خوگبخے وے چوره تر تیر  
زبداو نچی مت ات وز ته نر  
بنهب تر خو چید نفرهیم.

اتہ یہ پورگے مس وم بدل  
نچود.

یہ کمپیرک الھف جایگہ تاید  
اتہ یے پشے وینت خو  
وَمَرْدے لود:

" ای پشک! ای پشک!  
سہ وے پورگ آنجہ! یو  
پورگے وم فہنس غمہنتاو  
نچی مت. یہ فہنے وے  
قصاب قیستاو نچی مت. یو  
قصابے وے بنیج بزیداو  
نچی مت، یو بنیجے وم بنخ  
برہنتاو نچی مت! یہ بنخے  
وے یاخ وزہوداو نچی مت،  
یو یاخے وی مات پڈداو  
نچی مت. یو مائے وے کد  
ڈھداو نچی مت، یو کدے وی  
خوگبخ پرہنتاو نچی مت، یو  
خوگبخے وے چورہ تر تیر  
زبداو نچی مت ات وز تہ نر  
بنہب تر خو چیدنفرہیم.

اما یہ پشکے وم کمپیرک  
آرد لود:

آگہ تو ترم تر وم ژاو خیز  
سہوے خو مُرد یے کاسہ  
یند بنوقد خہ قہرے، وُز  
وے پورگ انجہم.

بعد، یہ کمپیرک تر وم ژاو  
خیز ست



او کمی پیشتر رفت و  
پشک را دید و برایش  
گفت:

" پشک! پشک! موش را  
بکش! موش نمی خواهد  
ریسمان را بجود.  
ریسمان نمی خواهد  
قصاب را آویزان کند.  
قصاب نمی خواهد برزہ  
گاو را در آغل ببندد. برزہ  
گاو نمی خواهد آب را  
بنوشد! آب نمی خواهد  
آتش را خاموش کند. آتش  
نمی خواهد چوب را در  
بدهد. چوب نمی خواهد  
سگ را بزند. سگ نمی  
خواهد خوگچہ را دندان  
بگیرد. خوگچہ نمی  
خواهد از نردبان بگذرد،  
و من امشب بہ خانہ  
نمیرسم." اما پشک  
برایش گفت:

"اگر شما آنطرف بہ نزد  
مادہ گاو بروید و یک  
کاسہ شیر برایم بیاورید  
من موش را را خواہم  
کشت."

سپس، پیرہ زن بہ نزد  
مادہ گاو رفت.

She went a little further, and she met a cat. So she said, "Cat! Cat! Kill rat. Rat won't gnaw rope; rope won't hang butcher; butcher won't kill ox; ox won't drink water; water won't quench fire; fire won't burn stick; stick won't beat dog; dog won't bite pig; piggy won't get over the stile; and I cannot get home tonight." But the cat said to her, "If you will go to yonder cow, and fetch me a saucer of milk, I will kill the rat." So away went the old woman to the cow.

اما مادہ گاو بہ پیرہ زن  
گفت:

" آنجا طرف انبار علف  
برو، و یک مشت علف  
برایم بیاور، من شیر  
برایت خواهم داد.

بعد پیرہ زن بہ طرف  
انبار علف رفت و برای  
گاو علف آورد.



خو و مردے لود. اما یہ  
ژاوے و مرد لود ایدے:

سہ آی اس و م و بنتین مرد  
دونیک و ابن قہ یتہ و ز تہ  
ترد بنوقد دھکم.

یہ بونیک ست تر و م  
و بنتین خیز خو و مردے  
آزم دوسک و ابن قود.

But the cow said to her, "If you will go to yonder hay-stack, and fetch me a handful of hay, I'll give you the milk." So away went the old woman to the hay-stack; and she brought the hay to the cow.

بمجرد اینکه مادہ گاو  
شروع بہ خوردن علف  
کرد بود، برای پیر زن  
شیر داد، و پیرہ زہ بایک  
کاسہ شیر بہ نزد پشک  
رفت.



یہ ژاو وے و ابن درو خید  
ست اتہ و م کمپیرک اردے  
خو بنوقد داد. یہ کمپیرک  
یے کاسہ بنوقد قتے تر  
و م پشک خیز تاید.



As soon as the cow had eaten the hay, she gave the old woman the milk; and away she went with it in a saucer to the cat.

وقتیکہ پشک شیر را  
خورد، شروع بہ کشتن  
موش کرد،



یہ پشک وے بنو قد ڈکت خو  
وے پورگ انجیقداو روون  
ست.

As soon as the cat had lapped up the milk, the cat began to kill the rat;

موش شروع بہ جویدن  
ریسمان کرد،



یو پورگ وم فہیں  
غمہنتاو درو ست.

the rat began to gnaw the rope;

رېسمان شروع به اویزان  
 کردن قصاب کرد، قصاب  
 شروع به بند کردن برزه  
 گاو در آغل کرد،



یه قهپن وے قصاب درو  
 قیسٹ ست. یو قصاب وے  
 بنیج درو بزید ست.

the rope began to hang the butcher; the butcher began to kill the  
 OX;

برزه گاو شروع به  
 نوشیدن آب کرد، آب به  
 شروع به خاموش کردن  
 آتش کرد،



یو بنیج و م بنخ درو  
 برهبت ست، یه بنخ وے  
 یاخ درو وزهود ست.

the ox began to drink the water; the water began to quench the fire;



آتش شروع به سوزاندن  
چوب کرد، چوب شروع به  
زدن سگ کرد،



یو یاخ وے مات درو تھوؤد  
سُت، ات یو مات وے کُڈ  
درو ڈھد سُت.

the fire began to burn the stick; the stick began to beat the dog;

سگ شروع به دندان  
گرفتن خوگچه کرد،  
خوگچه از ترس از بالای  
نردبان پرید،



یو کُڈ وے خوگبخ درو  
ژرینت سُت، یو خوگبخ  
اَس بناجے خو جون وے  
چوره تر تیر زبُڈ.

the dog began to bite the pig; the little pig in a fright jumped over  
the stile;



و بعد از آن پیره زن در  
همان شب به خانه خود  
رسید.



اته یه کمپیرک وے خوگبخ  
قتے پرا اَس بنومٹے  
تر خو چید خو فرهیت.

and so the old woman got home that night.

### لغاتین:

Buy	زِهینتاو، خریت چیداو	Hay	واَبس
Beat	ڈھداو	Hay-stack	وِبتن، واَبس جیش
Bite	ژرِبتاو، پرِبتاو	Jump	زِیداو
Burn	پڈداو	Kill	زِیداو
Cat	پشک	Lap up	ڈکتاو
Cow	ژاو	Milk	بنوَقَد
Crooked	چوَرڈ، جُکچن	Over	تر تیر، تر کھل
Dog	کَد	Ox	بنیج
Drink	برِهینتاو	Pen	(قلم)
Eat	خیداو		تر غجید بزیداو، غجید
Fetch	قیداو	Piggy	خوگ بَخ

Find	قِرِهَداو
Fire	ياخ
Fright	(بِناج) دِهَرتاو
Get home	تر چيد فِرِيپتاو
Give	دَهَنك چيداو
Gnaw	غَمِهِنتاو
Hang	اوپخُون چييداو، كِنَبَلِبْخَه چيداو

Quench	وَزِهَوُداو
Rat	پورگ، وِثَوُم بورگ
Rope	قَهِنس
Stick	مات، دَارگ
Stile	چورَه
Sweep	زِدِيداو
Water	بَنخ